

فخستین کسی که قرآن را

برای قریش خواند

اسارت تلقینات جاهلانه را پاره کند ؛ و به فدای
عدل و انصاف صحیح پاسخ مثبت دهد ، بدبختانه در این
گیرودار ؛ چراغ عقل هم کم نور و هدایت ضعیف
می شود و نوعاً افراد به دنبال تمسبات جاهلانه می
روند ، و منطبق «انا وجدنا آباءنا علی امة وانا
علی آثارهم مقتدون» قوی می شود (۱)

بدون اغراف باید گفت که نیرومندترین روحها آن روحی
است که در این نوع درنگ پذیرها آزاد باشد ، و بتواند
با سهامت ، خط بطلان بروی این دنباله رویهای
دابخردانه بکشد ، و شاید با قاطعیت بتوان گفت
که یکی از مهمانان دقیق آزادی ؛ همین آزادی از
تلقینات و تقلیدات غلط است از این نظر ، این گونه

کار مشکل بود ، راستی مشکل بود ؛ خواندن
قرآن بر مردمی که در دایره تقلید و تلقینات اجدادی
حیثی سخت اسیر و محصور بودند ؛ نه خودچرات
و شهامت خروج از این دایره دادند و نه تحمل
بدن افرادی را که در هر دو روحی بلند و فکری
آزاد ، خود را از این تنگنا ، نجات داده بودند .

راستی هم کار آسانی نیست که انسانی از زور بار
تقلید و تلقین بی اساس نیاکان خارج گردد ، و
زنجیرهای او مام را بکشد ، و بر آداب و رسوم غلطی
که در پیشینیان به ادرسیه است ؛ پشت بازند ،
حریت و آزادی اندیشه می خواهد ، جرئت و جسارت
و قواالماده لازم دارد تا کسی بتواند زنجیرهای

(۱) مابعدان خود را بر روش باقیم و ما هم از آنان پیروی خواهیم نمود .

افراد حرو آزاد ، که توانسته باشند خود را از قید رسوم موهوم برهاند در اجتماعات بشری کمتر پیدای شوند. آری فراوانند معاصرتو باصلاح حایان آزادی که خود در نارهای همین بدبختی اسیر و محصور می باشند .

نقطه عطف در زندگی مسلمانان صدر اسلام :

پی شگ بزرگترین شطه عطف در زندگی مسلمانان صدر اسلام ، همین شهادت و پرش روح آنان است یعنی شهادت دهائی ارتقا یافتن مودونی ، آزادی از قیدها و زنجیرهای که بر انداخته روی کرده بودند . بر دستهای غل غلامه شده بود .

آری این شهادت ، از سبب رفتن در میدان نبرد نه تنها کمتر بست بلکه مهم تر هم می باشد .

عبدالله بن مسعود یکی از همین فرزندان و آزادمردان مسلمانان صدر اسلام است ، واقفدار شرکت در صحنه های مهمی چون « بدر » و « احد » داشت همچنین افتخار دو « حیرت » به وحیبه و « مدینه » (۲) را دارا بود ، از نویسندگان وحی و قاریان قرآن شده می شود. اما نه تفهافاری قرآن بود بلکه عاشق و دلباخته قرآن بود. ناگفته پیدا است فرق است میان کسی که از خواندن قرآن جر اداء الفاظ و رعایت قواعد تجوید ، هدف ندارد و کسی که عاشق و دلباخته قرآن است . نه تنها از این قرآنت قرآن مشغول می گردد بلکه قرآن در اعماق روح او رسوخ

(۱) اسدالغایه ج ۳ صفحه ۲۵۷

(۲) الاسابیه ج ۲ ص ۳۶۹

و اثر می گذارد و این مسعود چنین بود و معلوم است کسی که تا این حد شیفته قرآن باشد ، دیگر برای او کتک خوردن ، شکنجه دیدن ، جامل این کتاب مقدس امر مهمی نمی باشد و زندگی این سخا پی بزرگ در عین فداکاریها و از خود گذشتگی در تبلیغ و اجراء اهداف مقدس قرآن ، خلاصه می شود .



آغاز طوط اسلام بود. تعداد مسلمانان کم و انگشت شمار ، فکار و خفقان هم بر همین عده قلیل روز بروز شدیدتر میشد هیچ کس از مسلمانان نمی توانست بدون استیصال از خضر از اسلام و قرآن آشکارا دم زد چیزی بگوید ، اما این مسعود این مجنون و شیفته قرآن این خطر را بجان خرید و آمده از راهای جامان گردید و با آواز بلند سخن حق یعنی قرآن را بر آن بیچارگان خوانده شرح جریات آنکه روزی با اتفاق جمعی از مسلمانان دور پر هم گرد آمده و گفتگو و مذاکره می داشتند از جمله سخنان اینکه قریش تا کتون آیات قرآن را نشنیده اند چه خوب بود کسی از ما این کار را انجام میداد و آیتی بر آنها تلاوت می نمود ولی حالا چه کسی این کار را انجام دهد چنان شکل و خضرت است اما آن همه خطرات و فواق و وحشت آور که این کار به دنبال داشت ، این مسعود را و طلب این کار شد گفتند برای تو کار انعام مسعود زیرا سلیقه و عشیره همین عزاری که ادب حمایت کنند و قریش ترا

ادبیت خواهند کرد گفت : خداوند بهترین حامی است و مرا حمایت میکند .

فردای آنروز بوقت ظهر که قریش در مسجد جمع بودند آمدند و مقام ابراهیم ایستاد و پندای و ملاحظه بخواند «الرحمن» کرد ، گوشها متوجه این مسعود شد : چه بخواند ؟ عجب ! دارد کلمات کتاب محمد را میخواند ؟ کتاب ممنوع ؟ که خواندنش ممنوع : شنیدنی هم ممنوع است جرم نا بخشودنی مرتکب شده است باید او را ادا کرد . «این حکام بر سرش ریختند و او

(۱) اسدالغایه ج ۳ ص ۲۵۷

از عجایب...!

چراغ نوشته بودند :

هیئت فایور تحقیق درباره آلودگی هوای تهران شدند . این هیئت پس از بررسیهای لازم و بذل توجه و دقت کافی و شایان تقدیر ، نتایج زیر را اعلام داشتند :

- ۱ - آلودگی هوای تهران بعلت دود اتوموبیلهاست .
 - ۲ - شدت آلودگی در تابستان (به علت افزایش دفت و آمد و عدم شستشوی هوا بوسیله باران) بیشتر است .
 - ۳ - آلودگی هوا در جنوب شهر بیش از شمال شهر است !
- راستی چه کفیات عظیمی ! . . . آیا بهتر نبود بجای این تحقیق و توضیح واضح و اسح ، هیئت هم مأمور بررسی عوامل آلودگی اخلاقی ، اینهمه ابتکارها ، آدمکشیها و جنایات هم بشود ! و بهداشت جسم و جاززه هر دو مورد بررسی قرار گیرد .